



Islamic Maaref University

Scientific Journal
**The History of Islamic Culture
And Civilization**

Vol. 15, Summer 2024, No. 55

Missionology of Scholars in the transfer and promotion of cultural investment from the point of view of Amir Momenan with the historical assessment of the cultural activism of Mohagheg Karaki

Amenah Hossein Yazdi¹ \ Mohammad Hossein Daneshkia²
Amir Mohsen Erfan³ \ Seyyed ziaddin Mirmohammadi⁴

1. PhD student of Islamic Studies, Department of History and Islamic Civilization, University of maaref, Qom, Iran (Corresponding Author). *amenehyazdy@gmail.com*
2. Associate Professor, Department of Islamic History and Civilization, University of maaref, Qom, Iran. *daneshkia@maaref.ac.ir*
3. Assistant Professor, Department of Islamic History and Civilization, University of maaref, Qom, Iran. *Erfan@maaref.ac.ir*
4. Assistant Professor of the Islamic History and Civilization Department of the University of maaref, Qom, Iran. *mirmohammadi@maaref.ac.ir*

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	The importance of religious values and beliefs as cultural assets of the society requires efforts to preserve and promote them. The current research aims to explain the role of scholars in the transfer and promotion of cultural investment, examines the characteristics of this role in the biography of Amir al-Mu'minin, and in a comparative approach, evaluates the performance of Mohaghegh Karki based on the obtained characteristics. As a result, from the perspective of Amirul Momineen, scholars should play a role in transferring and improving the cultural investment of the society through increasing knowledge, creating cultural models, spiritual growth, and establishing, strengthening and reforming cultural centers. Using the positive approach of the Safavid rulers towards Shiism and supporting Shia scholars, Mohaghegh Karki, as one of the scholars of Shia, carried out actions such as training students, writing books, reviving Friday prayers, modeling Ahl al-Bayt and the scholars of the past. The research method is descriptive-analytical based on historical data.
Received: 2023.04.30	
Accepted: 2023.09.30	
Keywords	Missionology of scholars, Safavid government, activism of scholars, cultural investment from the perspective of Imam Ali, Mohagheg Karaki.
Cite this article:	Hossein Yazdi, Amenah & Mohammad Hossein Daneshkia, Amir Mohsen Erfan, Seyyed ziaddin Mirmohammadi (2024). Missionology of Scholars in the transfer and promotion of cultural investment from the point of view of Amir Momenan with the historical assessment of the cultural activism of Mohagheg Karaki. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 15 (2). 9-30. DOI: ??
DOI:	??
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.



جامعة المعارف الإسلامية

مجلة علمية

تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية

السنة ١٥ / الصيف عام ١٤٤٥ / العدد ٥٥

معرفة رسالة العلماء في نقل ورقي رأس المال الثقافي من منظار امير المؤمنين عليه السلام مع المقياس التاريخي للاداء الثقافي لدى المحقق الكركي

١. آمنه حسين يزدي^١ / محمد حسين دانش كيا^٢ / امير محسن عرفان^٣ / سيدضياء الدين مير محمدي^٤.
طالب دكتوراه مدرس المعارف الاسلامية، فرع التاريخ والحضارة الاسلامية، جامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران (الكاتب المسؤول).
amenehyazdy@gmail.com
٢. استاذ مرادف فرع التاريخ والحضارة الاسلامية، بجامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران. daneshkia@maaref.ac.ir
٣. استاذ مساعد فرع التاريخ والحضارة الاسلامية، بجامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران. erfan@maaref.ac.ir
٤. استاذ مساعد فرع التاريخ والحضارة الاسلامية، بجامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران. mirmohammadi@maaref.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	اهميه القيم والمعتقدات العقائديه باعتبارها رواس اموال المجتمع الثقافية يستوجب السعي للحفاظ عليها و ارتقاؤها. البحث الحاضر بهدف تبين دور العلماء في نقل و ارتقاء راس المال الثقافي يدرس العناصر المميزة لهذا الدور في سيرة امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> و بوجهة مقارنة قياس اداء المحقق الكركي علي اساس العناصر المميزة الناتجة. الحصول ان من وجهة نظر امير المؤمنين <small>عليه السلام</small> يجب علي العلماء ايفاء دورهم في نقل و ارتقاء راس المال الثقافي للمجتمع عبر زياده العلم، ايجاد النموذج الثقافي، النمو المعنوي و تاسيس، تعزيز و اصلاح البؤر الثقافية. ان المحقق الكركي باعتباره احد علماء الميزان الشيعي بالاستفادة من التوجه الايجابي للحكام الصفويين ازاء الشيعة و مساندة علماء الشيعة في سياق هذه الميزات قام باجراءات مثل تربية الطلاب، تصنيف الكتب، احياء صلاة الجمعة، الامثال لاهل البيت <small>عليهم السلام</small> و العلماء السلف. اسلوب العلم هو بحثي، وصفي - تحليلي مبني علي المعطيات التاريخية.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٤/١٠/٠٩	
تاريخ القبول: ١٤٤٥/٠٣/١٤	
الألفاظ المفتاحية	معرفة رساله العلماء، الحكومة الصفوية، اداء العلماء الفاعل، راس المال الثقافي من منظار الامام علي <small>عليه السلام</small> ، المحقق الكركي.
الاقباس:	حسين يزدي، آمنه و محمد حسين دانش كيا، امير محسن عرفان، سيدضياء الدين مير محمدي (١٤٤٥). معرفه رسالة العلماء في نقل ورقي رأس المال الثقافي من منظار امير المؤمنين (ع) مع المقياس التاريخي للاداء الثقافي لدي المحقق الكركي. مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٥ (٢). ٣٠ - ٩. DOI: ??
رمز DOI:	??
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۵، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۵۵

رسالت‌شناسی عالمان در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی

از نظرگاه امیرمؤمنان علیه السلام با سنجش تاریخی کنش‌گری فرهنگی محقق کرکی

- آمنه حسین یزدی^۱ / محمدحسین دانش‌کیا^۲ / امیرمحسن عرفان^۳ / سیدضیاءالدین میرمحمدی^۴
۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
amenehyazdy@gmail.com
۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. daneshkia@maaref.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. erfana@maaref.ac.ir
۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. mirmohammadi@maaref.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۳۰ - ۹)	اهمیت ارزش‌ها و باورهای اعتقادی به‌عنوان سرمایه‌های فرهنگی جامعه ایجاد می‌کند تا در حفظ و ارتقاء آنها تلاش شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش عالمان در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی به بررسی شاخصه‌های این نقش در سیره امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> می‌پردازد و در رویکردی مقایسه‌ای عملکرد محقق کرکی را براساس شاخصه‌های به‌دست آمده، به سنجش می‌گذارد. حاصل آن که، از منظر امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> عالمان می‌بایست در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی جامعه از طریق دانش‌افزایی، الگوسازی فرهنگی، رشد معنوی و تأسیس، تقویت و اصلاح کانون‌های فرهنگی ایفای نقش کنند. محقق کرکی به‌عنوان یکی از عالمان تراز شیعه با بهره‌گیری از رویکرد مثبت حاکمان صفوی به تشیع و حمایت از عالمان شیعی در راستای این شاخص‌ها اقداماتی از قبیل تربیت شاگردان، تألیف کتاب، احیای نماز جمعه، الگوسازی از اهل‌بیت <small>علیهم السلام</small> و علمای گذشته انجام داد. روش کار پژوهش، توصیفی - تحلیلی مبتنی بر داده‌های تاریخی می‌باشد.
واژگان کلیدی	رسالت‌شناسی عالمان، حکومت صفوی، کنش‌گری عالمان، سرمایه فرهنگی از منظر امام علی، محقق کرکی.
استناد:	حسین یزدی، آمنه و محمدحسین دانش‌کیا، امیرمحسن عرفان، سیدضیاءالدین میرمحمدی (۱۴۰۳). رسالت‌شناسی عالمان در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی از نظرگاه امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> با سنجش تاریخی کنش‌گری فرهنگی محقق کرکی. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۵ (۲)، ۳۰ - ۹. DOI: ??
کد DOI:	??
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

در نظام معرفتی اسلام، فلسفه بعثت انبیاء الهی و اوصیای ایشان، هدایت فکری - معنوی انسان‌ها به سوی قرب الهی است. در ادامه این سلسله، عالمان دین به‌عنوان وارثان علم انبیاء^۱ و داعیان کلام حق^۲ قرار دارند: «بدون شک نزدیک‌ترین و شایسته‌ترین مردم به پیامبران آنانند که از همه به تعلیمات‌شان آگاه‌ترند»^۳ تا در جایگاه مدیریت فرهنگی جامعه، معارف حق و رفتارهای متناسب با ارزش‌های دینی را در جامعه بگسترانند.

ضرورت شناخت وظایف عالمان و بررسی چگونگی ایفای این نقش از سوی عالمان در عصر غیبت، نیازمند آگاهی از نقش‌های مورد انتظار ایشان از نگاه دین است.

باتوجه به اهمیت انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی، پژوهش حاضر در صدد تبیین نقش محوری عالمان در این حوزه به شناسایی شاخص‌های این نقش از سیره امیرالمؤمنین علیه السلام به‌عنوان امام و رهبر جامعه اسلامی و عالم تراز اسلامی برآمده است. به‌منظور سنجش صحت و میزان کاربردی بودن شاخص‌های به دست آمده، عملکرد محقق کرکی به‌عنوان یکی از عالمان تراز شیعی بر اساس شاخص‌های به دست آمده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. دلیل این انتخاب آن است که اولاً حکومت صفوی - عصر حضور محقق کرکی - به‌واسطه اولین تجربه تعامل عالمان دینی با نهاد سیاسی در تاریخ تشیع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ ثانیاً محقق کرکی از بزرگ‌ترین عالمان عصر صفوی است که با استفاده از شرایط مساعد حکومت صفوی برای فعالیت عالمان، توانست نقشی فعال در گسترش فرهنگ تشیع در جامعه ایران ایفا کند. لذا عملکرد ایشان به‌عنوان نمونه‌ای برای تطبیق با دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه سنجش عملکرد محقق کرکی با معیارهای موردنظر امیرالمؤمنین علیه السلام در زمینه انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی چه نتیجه‌ای را دربردارد؟ پاسخ به این سؤال، نیازمند بررسی شاخصه‌های انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام، و بررسی وضعیت فرهنگی عصر صفوی مقارن با حضور محقق کرکی در ایران است. فرضیه این پژوهش آن است که بررسی عملکرد محقق کرکی، تطبیق نسبی عملکرد ایشان با معیارهای مورد نظر امام علی علیه السلام درباره نقش عالمان در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی را نشان می‌دهد.

۱. امام صادق علیه السلام: العلماء ورثة الانبياء. (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲)

۲. أولئك خلفاء الله في أرضه و الدعاء إلى دينه شوقاً إلى رؤيتهم! (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)

۳. إن أولي الناس بالأنبياء أعلمهم بما جاؤوا به. (همان، حکمت ۹۶)

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بعد از پیشینه پژوهش، به شاخص‌های انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی از منظر امیرالمؤمنین (ع) پرداخته و سپس به منظور ارزیابی عملکرد محقق کرکی، ابتدا وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ایشان را بررسی کرده و سپس عملکرد ایشان بر اساس شاخص‌های به دست آمده، پی‌جویی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

یک. فرهنگ

«فرهنگ» (Culture) از دو جزء «فر» به معنای بالا و بیرون و «هنگ» به معنای کشیدن و فرهنگن است^۱ و به معنای بیرون کشیدن و بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد فرد و اجتماع می‌باشد.^۲ امروزه فرهنگ در لغت به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به‌کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل کاربرد یافته است.^۳

اصطلاح فرهنگ بیش از آن که به رشته خاصی مرتبط باشد، یک اصطلاح و مفهوم میان‌رشته‌ای است که تعاریف متعددی از آن صورت گرفته است. تایلور^۴ با نگرشی مصداق‌گرایانه در توجه به مصادیق و ویژگی‌های مشترک فرهنگ‌ها، فرهنگ را کلیت پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنر، اخلاق، قوانین و آداب و رسوم تعریف می‌کند.^۵ گرچه امروزه انتقادات زیادی به این تعریف وارد است اما نکته مهم در این تعریف، اشاره به اکتسابی بودن فرهنگ به معنای آموختنی بودن آن است.

به عبارتی می‌توان فرهنگ را «مجموعه باورهای موجد عمل یا مجموعه‌ای از رفتارهای ناشی از باور فرد، خانواده و اجتماع که اعضا به آن پایبند هستند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند» دانست؛^۶ باتوجه به این تعریف، مصادیق فرهنگ عبارت خواهند بود از عقاید، اخلاق، حقوق، آداب و رسوم، سبک‌های هنری و معماری و ... که مجموعه‌ای از رفتارهای مستمر یک جامعه است که ناشی از باورهای آنان می‌شود. براین اساس فرهنگ هر جامعه زیربنای رفتار، اعمال و مواضع آن جامعه است؛ و رفتارهای فرهنگی جامعه مبتنی بر باورها و تفکرات حاکم بر آن جامعه است. اگر جامعه‌ای بتواند اصول و

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ص ۱۷۱۳۲.

۲. سامی، نقش ایران در فرهنگ اسلامی، ص ۱۳.

۳. معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

4. Tylor.

۵. کوش، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ص ۲۷.

۶. این تعریف برآمده از سلسله دروس دکتر محمدحسین دانش کیا در دانشگاه معارف اسلامی است.

مبانی خود را به گونه‌ای صحیح تبیین کرده و بر اساس آن، الگوهای مناسب رفتاری و عملی ارائه نماید، زمینه تکامل آن جامعه فراهم خواهد شد.

دو. پیشینه

آثار متعددی به جنبه‌های مختلف دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام درباره عالمان پرداخته‌اند؛ اما عموماً این آثار منبع خود را به نهج‌البلاغه محدود کرده‌اند. همچنین هیچ‌یک به نقش عالمان در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی پرداخته‌اند. از جمله کتاب **جامعه علوی در نهج‌البلاغه** اثر عبدالحسین خسروپناه که مطالبی در باب قلمرو دین در سنت علوی، رفتار علوی و اندیشه علوی دارد. مطالب کتاب خارج از چارچوب پژوهش حاضر است. مقاله «ویژگی‌های عالم از نگاه امام علی علیه السلام» نوشته مسعود بهرامیان، محمود ویسی و بخشعلی قنبری که به مقام و ویژگی‌های عالم پرداخته و به برخی فعالیت‌های علمی حضرت به‌عنوان عالم تراز اسلامی اشاره دارد اما به نقش فرهنگی عالمان که موضوع پژوهش حاضر است، اشاره نمی‌کند. در رابطه با تاریخ عصر صفوی و اقدامات محقق کرکی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ اما هیچ‌یک به‌طور خاص، به عملکرد ایشان در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی پرداخته‌اند. رسول جعفریان در جلد اول کتاب **صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست** به نقش محقق کرکی و برخی از اقدامات ایشان پرداخته است. کتاب **علما و مشروعیت دولت صفوی** اثر سید محمدعلی حسینی‌زاده، ضمن پرداختن به شرایط عصر محقق کرکی، برخی از اقدامات و عملکردهای این عالم را در رابطه با دولت نوپای صفوی مطرح می‌کند.

هادی یعقوب زاده در مقاله «فقه‌های مدیر، محقق کرکی فقیهی مدیر»،^۱ به برخی از اقدامات و اندیشه‌های محقق کرکی پرداخته است. اما اولاً رویکرد مقاله حاضر فرهنگی نبوده و ثانیاً تنها به برخی از اقدامات ایشان اشاره شده است. در مقاله «مواجهه محقق کرکی با استقرار حاکمیت صفوی در عصر شاه‌اسماعیل اول (۹۳۰ - ۹۰۷ ق)»، محمدعلی رنجبر و محمدتقی مشکوریان،^۲ به معرفی آثار و دیدگاه‌های فقهی ایشان در رابطه با صفویان می‌پردازند؛ اما برخلاف رساله حاضر در جایگاه تبیین نقش فرهنگی ایشان نمی‌باشد.

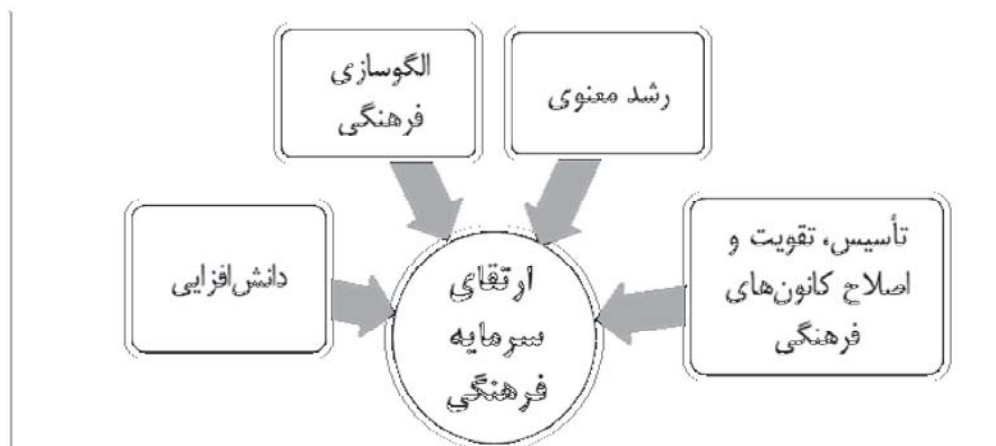
همان‌گونه که پیشتر در تبیین مسئله بیان گردید ابتدا به بررسی شاخص‌های انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته می‌شود. بدین منظور، به تصریح امام علیه السلام در اعلان وظیفه عالمان در این امر و سیره عملی ایشان به‌عنوان عالم تراز اسلامی استناد می‌شود.

۱. یعقوب‌زاده، «فقه‌های مدیر، محقق کرکی فقیهی مدیر»، *مدیریت در اسلام*، ش ۱۲، ص ۴۴-۳۹، بهار و پاییز ۱۳۸۸.
 ۲. رنجبر و مشکوریان، دو مواجهه محقق ... «پژوهش‌های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)»، دوره ۴۶ (دوره جدید) شماره ۴ (پیاپی ۸)، ص ۱۳۶-۱۰۷، ۱۳۸۹.

۲. شاخصه‌های انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی از نظرگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

«سرمایه فرهنگی» مفهومی جامعه‌شناختی، وام‌دار واژه «سرمایه» از علم اقتصاد، به معنای ثروت مولد و هر منبعی که در عرصه خاصی اثرگذار است، تعریف می‌گردد.^۱ بنابراین «سرمایه فرهنگی» به منابع اثرگذار در امور فرهنگی می‌پردازد و قرائت و تفسیر آن به فرهنگ جامعه بستگی دارد. به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی هر جامعه، همان فرهنگ به‌جای‌مانده از گذشتگان آن است^۲ که بر اساس تئوری سرمایه فرهنگی، از طریق سیستم آموزشی که بازتاب فرهنگ طبقه حاکم است، انتقال یافته و تشویق می‌شود و در نهایت موجب بازتولید همان فرهنگ خواهد شد.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام با تأکید بر اهمیت انتقال و ارتقاء سرمایه‌های فرهنگی جامعه، مسئولیت اصلی این نقش را بر عهده عالمان دین می‌گذارد: «لازم است عالم آنچه را که ندانسته یاد بگیرد و آنچه را می‌داند آموزش دهد».^۴ از سیره امیرالمؤمنین علیه السلام چهار شاخص برای ایفای این نقش از سوی عالمان به دست می‌آید که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.



نمودار شاخص‌های انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام

یک. دانش‌افزایی

علم و دانش از مهم‌ترین منابع معرفتی فرهنگ و رکن اصلی سرمایه فرهنگی که مدیریت آن در ارتقاء سرمایه فرهنگی ضرورت بسیار دارد، همچون یک میراث بیولوژیکی و طبیعی، از نسل‌های گذشته به

۱. روحانی، «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، راهبرد، س ۱۸، ش ۵۳، ص ۳۵-۷.

۲. چلبی، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، ص ۲۱۴ - ۲۱۳.

۳. روحانی، «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، راهبرد، س ۱۸، ۱۳۸۸.

۴. عَلِي الْعَالِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَ عِلْمًا مَا لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ وَيُعَلِّمَ النَّاسَ مَا قَدْ عَلِمَ. (تمیمی آمدی، ترجمه غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۸۷)

نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شود بلکه میراثی اجتماعی است که برای دستیابی و ارتقاء آن، نیازمند اقدام عملی در آموزش دیگران است.

امیرالمؤمنین علیه السلام با نگاه دین اسلام، آموزش را به‌عنوان مهم‌ترین عامل تربیتی انسان‌ها و رسالت انبیای الهی می‌داند^۱ و قدم اول آموزش را بر عهده عالمان می‌گذارد:

خداوند از افراد جاهل پیمان نگرفته که دنبال علم و دانش بروند، مگر اینکه قبل از آن، از علما و دانشمندان پیمان گرفته تا به آنها علم بیاموزند.^۲

انتقال سرمایه فرهنگی، نیازمند مراحل متعددی است. نخستین مرحله، داشتن سواد خواندن و نوشتن است. بدون سواد، امکان ثبت و حفاظت از یافته‌های علمی و دستیابی به آثار گذشتگان برای انسان نیست. اهمیت این مسئله ایجاب می‌کند عالمان حتی در صورت عدم تصدی مقام زمامداری، از این وظیفه مهم شانه خالی نکنند. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در طول ۲۵ سال دوری از قدرت، هرگز آموزش مردم را رها نکردند.

در مرحله دوم، می‌بایست مبانی اعتقادی دین به‌عنوان روش صحیح زندگی به مردم آموزش داده شود. از این رو آموختن علم فقه - نه به معنای مصطلح امروز که تنها در برگیرنده حوزه احکام است بلکه به معنای تفقه در دین که شامل اعتقادات، اخلاق و هرآنچه در حوزه دین می‌گردد - مقدم بر سایر علوم است: «اگر خواستی دانا شوی، در دین خدا فقیه و دانا شو».^۳ امیرالمؤمنین علیه السلام خود، پس از نماز صبح، به قشرهای مختلف مردم، دین‌شناسی و قرآن می‌آموخت.^۴

عالمان نیز وظیفه دارند با الگوگیری از امیرالمؤمنین علیه السلام، مستقیم و یا غیرمستقیم با در دست گرفتن هدایت جریان علمی کشور، زمینه رشد سرمایه فرهنگی را فراهم آورند.

دو. الگوسازی فرهنگی

در آموزش هر علمی، افراد تحت آموزش، همواره خواهان آن هستند اهداف امور تعلیمی را مجسم و عینی مشاهده کنند؛ این امر، ضمن دفع توهمی و ذهنی بودن آموزه‌ها، حرکت در مسیر آموزشی را

۱. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ

كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. (آل عمران / ۱۶۴)

۲. مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَي أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا. (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۸)

۳. إِذَا فَهَّمْتَ فَتَفَقَّهُ فِي دِينِ اللَّهِ. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الحکم، ص ۴۹، ح ۲۶۴)

۴. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۹.

سرعت می‌بخشد.^۱ نیاز انسان به الگو در زندگی، انسان را ارادی یا غیرارادی به انتخاب الگو می‌کشاند. اگر این نیاز با الگوهای شایسته برآورده نشود، الگوهای باطل، انحراف در ارزش‌ها و باورهای معنوی و فرهنگی جامعه را به‌وجود می‌آورند.

امیرالمؤمنین علیه السلام با اذعان به نقش برجسته الگو در تربیت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به‌عنوان الگو معرفی می‌کند: «پس به پیامبر صلی الله علیه و آله پاکیزه‌ات اقتدا کن، که راه‌ورسم او الگویی است برای الگوظلبن، و مایه فخر است برای کسی که خواهان بزرگواری است». ^۲ و اهل‌بیت علیهم السلام را الگوهایی می‌خواند که اطاعت از راه و روش آنها انسان را از هلاکت نجات می‌دهد:

به خاندان پیامبرتان بنگرید و ملتزم جهت اوامر الهی آنان باشید، راه و روش آنها را پیروی نمایید، که هیچ‌گاه شما را از طریق هدایت منحرف نکنند و به هلاکت نسپارند. اگر نشستند، بنشینید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه شوید و از آنان واپس نمانید که هلاک گردید.^۳

همچنین به‌منظور تسهیل الگوبرداری، از شخصیت‌های صالح و شایسته یاد می‌کند:

کجایند برادرانم، آنها که به راه افتادند و راه حق پیمودند؟! عمار کجاست؟! ابن‌تیهان کجاست؟! ذوالشهادتین کجاست؟! کجایند همانندهای آنان، برادرانی که پیمان مرگ بستند و سرهای مطهرشان نزد فاجران برده شد؟! همان‌ها که قرآن را تلاوت می‌کردند و به کار می‌بستند. در فرائض الهی تدبّر می‌کردند و به پا می‌داشتند. سنت‌ها را زنده کرده، بدعت‌ها را میراندند. هنگامی که به‌سوی جهاد دعوت شدند، مشتاقانه پذیرفتند و به رهبر خود اطمینان داشتند و از او پیروی کردند.^۴

عالمان هر عصر، به‌عنوان آگاه‌ترین افراد به معارف دین، بهترین الگوهای پیش‌روی مردم هستند. اگر مردم مشاهده کنند علما به علم خود پایبند نمی‌باشند، نه تنها به آنها بی‌اعتماد می‌شوند بلکه دین و

۱. فلاح ربیع، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲، ص ۳۳.

۲. فَتَأْسَىٰ بِنَبِيِّكَ الْأَطْهَرِ صلی الله علیه و آله فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَأَ لِمَنْ تَأْسَىٰ وَ عَزَاءَ لِمَنْ تَعَزَىٰ. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰)

۳. انظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالزُّمُوا سَمْتَهُمْ وَ اتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَاتَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا وَ لَاتَتَّخِرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا. (همان، خطبه ۹۷)

۴. أَأَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَيَّ الْحَقُّ أَيْنَ عَمَّارٌ وَ أَيْنَ ابْنُ التَّيْهَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَيْنَ نَظَرَاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَافَدُوا عَلَيَّ الْمَنِيَّةِ وَ أُبْرِدَ بِرُءُوسِهِمْ إِلَيَّ الْفَجْرَةَ... أَوْ عَلَيَّ إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَاحْكُمُوهُ، وَ تَدَبَّرُوا الْفُرْضَ فَاقَامُوهُ، أَحْيَوْا السُّنَّةَ وَ أَمَاتُوا الْبِدْعَةَ، دَعُّوا لِلْجِهَادِ فَاجَابُوا، وَ ثَقُّوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبِعُوهُ. (همان، خطبه ۱۸۲)

دستورات الهی در نزدشان از ارزش و اعتبار می‌افتد.^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن الگوزدایی از عالم‌نمایان جاهل آنان را کسانی می‌داند که دین را تغییر داده و فرامین الهی را به خواست خود تغییر می‌دهند و به نشر شبهات و بدعت‌ها در جامعه می‌پردازند.^۲

عالمان در مقام اطاعت از سیره و روش تربیتی حضرات معصومین علیهم السلام وظیفه دارند ضمن اصلاح و خودسازی خود به‌عنوان الگوهایی از تعالیم دین، به معرفی الگوهایی صحیح برای مردم عصر خود، بپردازند و با شناسایی الگوهای نامناسب، مردم را از مراجعه به آنها برحذر دارند.

سه. رشد معنوی

در بررسی مستدل «رشد معنوی»، دانستن معنای «معنویت» ضرورت دارد. معنویت، به معنای معنوی بودن است. معنوی در لغت، به روحی، درونی و در مقابل مادی تعبیر می‌شود.^۳ در طول تاریخ، به‌کارگیری واژه «معنویت» در زمینه‌های گوناگون، سبب پیدایش دیدگاه‌های مختلفی در خصوص ارتباط بین مفهوم «معنویت» و «دین» شده است که از جهان‌بینی متفاوت صاحب‌نظران آن نشئت می‌گیرد.^۴ در جهان‌بینی دین اسلام - مد نظر این پژوهش - معنویت، شناخت خداوند و قرب او و تشدید رابطه با او در همه ابعاد و شئون زندگی مطابق نظام معیار دینی (دین‌داری درونی و برونی) تعریف می‌شود.^۵

ارتقاء سطح معنویت جامعه، نیازمند معرفی و آموزش مبانی معرفتی دین و انجام فعالیت‌ها و اقداماتی در جهت تقویت مبانی آن است. در فرهنگ دینی، پیاده کردن دستورات دین در زندگی، که از آن تعبیر به «عمل صالح» می‌شود از عوامل اصلی رشد معنوی انسان و جامعه است.^۶ امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن تأکید بر تقارن ایمان و عمل صالح^۷ به مصادیقی از اعمال صالح، به‌عنوان عوامل تقویت‌کننده ایمان و معنویت

۱. *إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا.* (کلینی، *کافی*، ج ۱، ص ۴۴)
۲. *وَ آخِرُ قَدْتَسَمِّيَ عَالِمًا وَ لَيْسَ بِهِ فَاقْتَبَسَ جَهَائِلَ مِنْ جُهَالِهِ وَ أَضَالِيلَ مِنْ ضَلَالِهِ وَ نَصَبَ لِلنَّاسِ أَشْرَاكَ مِنْ حَبَائِلِ غُرُورٍ وَ قَوْلُهُ زُورٍ قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ آرَائِهِ وَ عَطَفَ الْحَقَّ عَلَيَّ أَهْوَاءِهِ يُؤْمِنُ النَّاسُ مِنَ الْعُظَائِمِ وَ يَهَوُّنُ كَبِيرَ الْجَرَائِمِ يَقُولُ أَفَفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ فِيهَا وَقَعَ وَ يَقُولُ أَعْتَزَلُ الْبِدْعَ وَ بَيْنَهَا اضْطَجَعَ. (نهج البلاغه، خطبه ۸۷)*
۳. *دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴ (معتمد - نوال)، ص ۲۱۱۹۰.*
۴. ر. ک: کیانی، معصومه و دیگران، خسرو باقری، «مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، س ۷، ش ۲، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۸ - ۹۷.
۵. همان.
۶. بقره / ۶۲ نحل / ۹۷، فصلت / ۳۲، کهف / ۱۱۰ و ...
۷. *سَبِيلُ أَبْلَحِ الْمَنَهَاجِ، أَنْوَرُ السَّرَاجِ؛ فَيَالِإِيْمَانَ يُسْتَدَلُّ عَلَي الصَّالِحَاتِ، وَ بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَي الْإِيْمَانِ.* (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

دینی اشاره کرده^۱ و آن را تنها از متقیان پذیرفته می‌داند.^۲ تقوا در اصطلاح دینی، به معنای خویشتن‌داری در اطاعت از دستورات الهی و دوری از گناهان،^۳ یک ارزش اصیل اخلاقی و هدف تشریح احکام،^۴ ملاک قبولی سایر اعمال^۵ و حتی شرط پذیرش ایمان^۶ است.

ابعاد فردی تقوا در اطاعت‌پذیری از دستورات الهی با ابعاد اجتماعی آن درهم تنیده شده است و تقوای اجتماعی بدون تقوای فردی امکان‌پذیر نیست: «هرکس خودش را اصلاح نکند نمی‌تواند جامعه را اصلاح کند».^۷ امیرالمؤمنین علیه السلام با تأکید بسیار بر رعایت تقوا، توصیه به آن را در جامعه دینی یک وظیفه اجتماعی می‌داند:

ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ زیرا این بهترین سفارشی است که بندگان به یکدیگر می‌کنند و در پیشگاه خداوند، بهترین پایان امور است.^۸

عالمان دین موظفند برای پیاده شدن دین الهی در جامعه، هم خود در رعایت تقوا پیش‌قدم باشند و هم جامعه را به سمت توحیدباوری و خدامحوری هدایت کنند: «از عالم ربّانی خود بشنوید، دل‌های خود را نزد او حاضر کنید، و اگر بر شما فریاد زد، بیدار شوید».^۹ این سخن امام علیه السلام نشان از وظیفه عالمان در تربیت مردم و رشد معنوی جامعه دارد چه حتی مجبور شوند بر سر مردم فریاد زنند.

چهار. تأسیس، تقویت و اصلاح کانون‌های فرهنگی

کانون‌های فرهنگی، مراکزی برای کار در حوزه‌های مختلف فرهنگ با هدف دستیابی به اهداف فرهنگی است که از فرصت اثرگذاری بالا در مسائل فرهنگی برخوردارند؛ از این رو در ارتقاء سرمایه‌های فرهنگی لازم است از ظرفیت این اماکن استفاده کرد.

در نظام توحیدی اسلام، مسجد محلی برای عبادت خداوند، با رویکرد مردمی در تأسیس، اداره و

۱. از جمله مصادیق عمل صالح امیرالمؤمنین علیه السلام عبارتند از: جهاد؛ خطبه ۵۶؛ صدقه؛ حکمت ۱۴۶؛ صبر؛ حکمت ۸۲.

۲. إِيْمًا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ. (مائده / ۲۷)

۳. امام صادق علیه السلام: «... أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَ لَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷ ص ۲۸۵)

۴. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (بقره / ۲۱)

۵. إِيْمًا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ. (مائده / ۲۷)

۶. لَا يَنْفَعُ الْإِيْمَانَ يَغِيْرُ تَقْوِي. (محقق خوانساری، شرح غرر الحکم، ج ۶ ص ۴۱۲)

۷. مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يُصْلِحْ غَيْرَهُ. (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ج ۸۹۰)

۸. أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَ خَيْرٌ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

۹. فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبِّيكُمْ وَ أَحْضِرُوا قُلُوبَكُمْ وَ اسْتَنْقِظُوا إِنْ هَتَفَ بِكُمْ. (همان، خطبه ۱۰۸)

بهره‌برداری از فرصت جذب افراد، اولین کانون فرهنگی اسلام است که با فراهم کردن بستری مناسب برای پیوند میان آحاد مردم با نخبگان و صالحان، موجبات ارتقاء سرمایه فرهنگی جامعه را فراهم می‌کند. ایشان در راستای تبیین ظرفیت مساجد در آموزش، هدایت و تبلیغ امور دینی می‌فرماید:

کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از فواید هشت‌گانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و بارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم (برای تثبیت عقاید)، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود]، یا مواعظی که او را از فساد و گناه بازدارد، یا به‌خاطر ترس یا حیا، گناهی را ترک می‌کند.^۱

کارایی مسجد در صورتی محقق می‌شود که اولاً مسجد به‌عنوان مرکزی برای گسترش معارف دین، ظرفیت خود را در اختیار همه مسلمانان قرار دهد. ثانیاً تحقق کارکردهای مسجد و نظارت بر آن، بر عهده متولیانی آشنا با معارف دین گذاشته شود که از توانمندی لازم برای آموزش دین به دیگران برخوردارند. عالمان بهترین گزینه برای تصدی مسجد هستند و می‌بایست با استفاده از ظرفیت مساجد، نقشی فعال در ارتقاء سرمایه فرهنگی جامعه ایفا کنند. امیرمؤمنان علیه السلام در طول زمامداری خود، مسجد کوفه را مرکز آموزش علوم دین و موعظه قرار دادند و با استقرار «دکة القضاء» در مسجد ضمن رسیدگی به مشکلات قضایی افراد در جلساتی با حضور مردم، با تبیین حکم شرع و آشنا کردن مردم با حقوق الهی، مسجد کوفه را به مرکز اصلی انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی حکومت خویش تبدیل کرد.

با توسعه جامعه اسلامی، پیدایش مراکز آموزشی در قالب‌های مختلفی چون مکتب‌خانه، بیت‌الحکمه، دارالعلم و... موجب استقلال آموزش از مسائل عبادی گشت. ظرفیت این مراکز علمی می‌بایست با مدیریت عالمان دین در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی به کار گرفته شود. از مراکز تأثیرگذار بر فرهنگ، مراکز خبری و رسانه‌های جمعی هستند. این مراکز قادرند با تأیید یا تغییر علایق و افکار اجتماعی به فرهنگ‌سازی در جامعه مبادرت ورزند. از این‌رو می‌توان از این ظرفیت برای تبلیغ دین و آموزش معارف اعتقادی بهره برد. قصه‌گویان در گذشته، نقش مراکز خبری امروزی را در سرگرم کردن مردم و تهییج افکار عمومی به سمت هدفی خاص بر عهده داشتند. هرچند بخش مهمی از قرآن کریم در قالب زندگی گذشتگان بیان شده است، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از حضور در

۱. مَنْ اخْتَلَفَ إِلَيَّ الْمَسَاجِدَ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عِلْماً مُسْتَطِرفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدِّي أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَيَّ هُدًى أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً. (صدوق، *الأمالی*،

مجالس قصه‌گویان یهودی که آمیخته با انحراف بود، منع می‌کرد. در عصر خلفا، علمای تازه‌مسلمان شده یهود و نصارا،^۱ جایگاه قصه‌گویی را دوباره به دست گرفتند و مجالس آنان به یکی از مراکز اصلی انحراف در جامعه اسلامی تبدیل گشت. محتواهای نادرست آنها سبب گشت امیرالمؤمنین (ع) به مقابله با آنها بپردازد.^۲ به تبعیت از سیره امام (ع) برخی از اصحاب ایشان به مقابله با این گروه پرداختند.^۳ که نشان دهنده وظیفه عالمان دین در پیروی از این سیره امیرالمؤمنین (ع) است.

نتیجه آنکه از منظر امیرالمؤمنین (ع) انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی دارای چهار شاخص دانش‌افزایی، الگوسازی فرهنگی، رشد معنوی و تأسیس، تقویت و اصلاح کانون‌های فرهنگی می‌باشد.

۳. رصد وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی عصر محقق کرکی

علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی جبل عاملی معروف به محقق کرکی (۸۶۵ یا ۸۷۰ ق - ۹۴۰ ق)، از علمای لبنانی است که در دوره اول صفوی وارد ایران گشت. ارزیابی عملکرد محقق کرکی، نیازمند بررسی شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ایشان به‌عنوان بستر اثرگذار بر فعالیت‌های ایشان است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ ق^۴ با غلبه بر حکومت‌های محلی، به تشکیل یک حکومت مرکزی در ایران توفیق یافت و اولین برنامه خود را اعلان رسمی مذهب تشیع قرار داد.^۵ با حمایت حکومت، شعائر شیعی همچون عبارت «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» و «حَيَّ عَلِيَّ خَيْرَ الْعَمَلِ» دوباره به اذان اضافه گشت^۶ و اماکن مذهبی شیعه چون حرم ائمه (ع) رونق گرفت و موقوفات بسیار برای آنها تعیین شد^۷ و مراسم مذهبی شیعه همچون محرم^۹ با شور و حرارت بسیار برپا گردید. اما گسترش تشیع، نیاز به عالمانی آشنا به مبانی تفکر شیعی و منابعی از فقه اثنا عشری داشت که جامعه ایران در آن زمان، از هر دو نظر دچار

۱. کعب الاحبار و تمیم داری از جمله معروف‌ترین آنها هستند.
۲. ر. ک: رسول جعفریان، پژوهشی درباره نقش دینی و اجتماعی قصه‌خوانان در تاریخ اسلام و ایران.
۳. از جمله برخوردار جندب بن کعب بن عبدالله ازدی با فردی ساحر در مسجد کوفه. (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۵؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۳، ص ۶۶۷ و ج ۵، ص ۸۷ - ۸۶)
۴. برخی آغاز حکومت صفوی را در سال ۹۰۶ ق دانسته‌اند. (غفاری قزوینی، تاریخ جهان آراء، ص ۲۵۶)
۵. اسکندریبگ منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۸.
۶. روملو، احسن التواریخ، ص ۸۶ - ۸۵.
۷. اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۵۹ - ۵۷.
۸. قمی، خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۴۳۱ - ۴۳۰.
۹. برگزاری مراسم عاشورا در سال ۹۳۵ ق در اثنای جنگ با ازبکان. (اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ص ۹۱ - ۸۹)

فقر شدید بود.^۱ لذا شاه اسماعیل از علمای شیعه عرب برای حضور در ایران و تبلیغ تشیع دعوت کرد. اما مواجهه عالمان با این دعوت، یکسان نبود.^۲ از سویی، شیعیان طی قرون گذشته در فشار و سختی بسیار زیادی قرار داشتند و ظهور حکومتی با شعار حمایت از شیعیان می‌توانست روزنه امیدی برای رهایی از تعصبات مذهبی حاکمان سنی برای ایشان بیافریند. از سوی دیگر، تقابل‌های مذهبی ایران با کشورهای اسلامی، موجب معرفی ایران به‌عنوان یک کشور مستقل اسلامی با گرایش مذهبی جدای از امپراتوری عثمانی در سطح بین‌الملل گردید. این مسئله موجبات التزام نهاد دین برای پاسخ‌گویی به مسائل حاکمیتی مبتنی بر فقه شیعی را فراهم کرد.

این شرایط، عالمان شیعی را در سهراهی اتخاذ رویکرد کنار آمدن با حکومت صفوی، مخالفت با آن و یا بی‌تفاوت ماندن نسبت به آن،^۳ قرار داد. عده‌ای بدون رد همکاری با صفویان، از مداخله در امور سیاسی امتناع ورزیدند؛^۴ برخی دیگر از علمای شیعه با نامشروع دانستن حکومت هر سلطان غیرمعصوم، همکاری با سلطان جور را از محرّمات ذاتیه شمرده و هر نوع همکاری با حکومت را حرام می‌دانستند.^۵ اینان نه‌تنها خود از این ارتباط پرهیز داشتند،^۶ بلکه دیگران را در این ارتباط مؤاخذه می‌کردند؛ دسته سوم، کسانی بودند که بدون تأیید مشروعیت صفویان، تنها با لحاظ شرایطی که متضمن همکاری با ایشان در کارهای حرام نباشد و به حفظ مصالح مؤمنین شیعه منجر گردد، همکاری با حکومت صفوی را پذیرفتند.^۷ همکاری این عالمان با حکومت، زمینه مناسبی را برای فعالیت فرهنگی دانشمندان شیعه در دولت صفوی ایجاد کرد که موجب رونق گرفتن مدارس شیعی ایران و گردآوری بسیاری از منابع شیعی از گوشه‌گوشه جهان اسلام گشت و جریانی از ترجمه آثار عربی به زبان فارسی به راه افتاد.^۸

۱. روملو، *احسن التواریخ*، ص ۸۶.

۲. ر. ک: آبادیان و بیطرفان، «تحلیل مبانی مشروعیت و نامشروعیت نهاد سلطنت از دیدگاه علمای عصر صفوی»،

پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، س ۳، ش ۱۰، ص ۳۴-۵.

۳. فوران، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ص ۷۹.

۴. مقدس اردبیلی (م. ۹۹۳ ق) و شهید ثانی (م. ۹۶۵ ق) از این گروه عالمان شیعی می‌باشند. سیدمحمد صاحب‌مدارک و شیخ حسن صاحب‌معالم، دو عالم برجسته عصر شاه‌عباس از ترس اینکه شاه آنان را به دربار دعوت کرده مجبور به پذیرش همکاری شوند، زیارت امام رضا(ع) را ترک کردند، هرگز به ایران نیامدند.

۵. ر. ک: نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۲۲، ص ۱۵۹.

۶. از بارزترین نمایندگان چنین نظریه‌ای می‌توان به شیخ ابراهیم قطفی (م. ۹۴۵ ق)، اشاره کرد.

۷. از جمله: محقق کرکی، *جامع المقاصد*، ج ۳، ص ۴۸۹.

۸. چلونگر، *سیاست مذهبی شاه طهماسب اول و گسترش تشیع در ایران، صفویه در گستره تاریخ ایران زمین*،

در برقراری این ارتباط توجه به چند نکته ضروری است:

۱. تعارض بین عالمان گروه دوم و سوم، معضلاتی را پیش‌روی عالمان پذیرای تعامل با حکومت قرار داد که می‌توانست بر تلاش آنها برای یکپارچه‌سازی مذهبی کشور تأثیر منفی گذارد. چرا که گاه اختلاف نظر عالمان در نوع رابطه با حکومت صفوی، از دایره مسائل علمی خارج گشته و به صحنه اجتماع کشانده می‌شد^۱ و این مسئله می‌توانست سبب شکستن قداست و احترام علما در اذهان مردم شود.

۲. دعوت شاه از عالمان و حمایت از برنامه‌های تبلیغی آنان به معنای اختیار و قدرت مطلق داشتن عالمان در این امر نبود؛ بلکه حمایت حکومت از عالمان تا زمانی بود که موجب زیر سؤال بردن سیاست‌های ایشان نشود و تنها تغییر اعتقادات و اعمال عامه مردم را مد نظر داشته باشد. چنانچه محقق کرکی در زمان شاه‌اسماعیل، پس از مدتی حضور در ایران به دلیل مساعد ندیدن شرایط برای کار فرهنگی به عراق بازگشت. حتی در عصر شاه‌طهماسب که محقق را نایب امام زمان می‌خواند، هرچند اصل ارادت او به محقق را بپذیریم، نمی‌توان مصلحت‌سنجی او در این ارتباط را دور از ذهن دانست. چنان که وقتی محقق کرکی به دنبال اختلاف با قزلباشان قصد عراق کرد، شاه که درگیر ازبکان و عثمانیان بود، به دلیل نیاز به همراهی قزلباشان، با خروج ایشان مخالفتی نکرد.^۲ این مسئله نشان‌دهنده محدودیت‌های پیش‌روی عالمان این دوره برای فعالیت‌های فرهنگی است که در بررسی عملکرد محقق می‌بایست بدان توجه داشت.

از چالش‌های فرهنگی عصر صفویان، فرقه‌های مختلف صوفیان بودند. صوفیان به دلیل اعتقادات انحرافی خود، در تقابل با تشیع فقه‌ای عالمان قرار داشتند. پیشینه اعتقادی شاهان صفوی و رابطه آنان با صوفیان، موجب نفوذ بالای صوفیان در دربار گشته بود که در نتیجه آن، مخالفت‌ها و مزاحمت‌های بسیاری برای برنامه‌های فقیهان به‌وجود می‌آوردند.

برخلاف صوفیان که تعارض اعتقادات آنها با شیعیان به تدریج آشکار شد، اهل سنت از همان ابتدا، چالش جدی با شیعیان داشتند. هرچند بسیاری از اهل سنت، در نتیجه برنامه‌های فرهنگی صفویان به مذهب تشیع گرویدند،^۳ اما تعدادی با پافشاری بر عقاید خود، قربانی خشونت قزلباشان شدند.^۴ گروهی

۱. ر. ک: جامعه بزرگ، «تقابل علمی شیخ ابراهیم قطیفی (م. ۹۵۰ ق) و محقق کرکی (م. ۹۴۰ ق)»، فرهنگ پژوهش، ش ۴۵ ویژه تاریخ اسلام.

۲. صدور اجازه می‌تواند کنایه از تبعید محترمانه ایشان از سوی شاه باشد. (روملو، احسن التواریخ، ص ۳۳۴)

۳. خاندان دشتکی شیراز از این دسته‌اند.

۴. از جمله سیف‌الدین تفتازانی (م. ۹۱۶ ق).

نیز، به همسایگان سنی مذهب صفویان - عثمانی و ازبکان - پناه بردند.^۱ و به مخالفین سرسخت صفویان تبدیل گشتند.^۲

اختلاف ایران با همسایگان سنی خود، به شدت گرفتن کنش‌های مذهبی و علمی میان عالمان شیعه و سنی منتهی گردید. اتهام کفر و الحاد از سوی عالمان اهل سنت نسبت به شیعیان و عقایدشان سبب گشت تا عالمان شیعی در جهت اثبات مشروعیت و حقانیت عقاید مکتب اهل بیت (ع) برآیند که این امر، موجب غنا بخشیدن به مبانی فکری مکتب تشیع و تقویت پایه‌های اصول و اعتقادات شیعیان گردید.^۳

۴. ارزیابی تاریخی عملکرد محقق کرکی در عرصه ارتقاء و انتقال سرمایه فرهنگی

محقق کرکی با قبول دعوت شاه‌اسماعیل برای سفر به ایران،^۴ رویکرد همکاری با حکومت صفوی را در پیش گرفت و برای رشد و گسترش مکتب اهل بیت (ع) دست به اقداماتی زد که در ادامه به بررسی عملکرد ایشان در ارتقاء و انتقال سرمایه فرهنگی بر اساس شاخص‌های به دست آمده از سیره امیرالمؤمنین (ع) با توجه به شرایط و موانع پیش‌روی او پرداخته می‌شود.

یک. تلاش در جهت دانش‌افزایی

محقق کرکی پیش از ورود به ایران با شاگردی اساتید بزرگ شیعه و سنی،^۵ علاوه بر علوم و معارف مکتب اهل بیت (ع)، از برخی از عالمان اهل سنت اجازه روایت گرفت.^۶ پس از ورود به ایران، با اندوخته علمی خود، به منظور آشنا کردن ایرانیان با معارف مذهب تشیع، کرسی‌های تدریس فقه برپا کرد و به تألیف آثار متعدد^۷ و تربیت شاگردان بسیار^۸ پرداخت.

۱. خواندمیر، *حبيب السیر فی اخبار افراد البشر*، ج ۴، ص ۴۶۸.

۲. ر. ک: خنجی اصفهانی، *وسيلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم (ع)*، ص ۲۷۰ - ۲۶۵.

۳. برای آشنایی با ردیه‌های این دوران مراجعه شود به: جعفریان، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، ج ۱، ص ۷۰ - ۶۷.

۴. ر. ک: رنجبر و مشکوریان، «مواجهه محقق کرکی با استقرار حاکمیت صفوی در عصر شاه‌اسماعیل اول (ح. ۹۰۷ - ۹۳۰ ق)»، *پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، ش ۴.

۵. از جمله اساتید اهل سنت ایشان: ابی‌یحیی زکریا انصاری (م. ۹۲۶ ق) و کمال‌الدین ابراهیم بن محمد بن ابی‌شریف قرشی (م. ۹۲۳ ق).

۶. الحسون، *حياة المحقق الکرکی و آثاره*، ج ۱، ص ۱۸۷، ۱۹۰ و ۱۹۲.

۷. محمد حسون همه آثار موجود کرکی به جز *جامع المقاصد* را در مجموعه‌ای با عنوان «حیات المحقق الکرکی و آثاره» گرد آورده است.

۸. از جمله: شیخ علی منشار، شیخ محمد بن حسن عاملی نطنزی، سید محمد بن ابیطالب استرآبادی، علی بن عبدالصمد عاملی، میرزا معزالدین اصفهانی، علی بن عبدالعالی عاملی میسی، سیدنعمت الله جزائری و حسین بن محمد مکی.

تألیف رساله **الجمعة و خراجية** از سوی محقق کرکی در پرداختن به موضوع نماز جمعه و خراج و تلاش برای تحقق عملی آنها در سطح جامعه، که تا پیش‌ازین، شیعیان از پرداختن به آنها به‌واسطه رابطه با سیاست خودداری می‌کردند، موجی از دیدگاه‌های مختلف را در قالب تألیف کتب و رسائل گوناگون به راه انداخت که می‌توانست با تحکیم مبانی فکری شیعه در این مسئله به ارتقاء علمی جامعه شیعی منتهی گردد.

محقق کرکی در مقابل اهل سنت تلاش داشت با رویکردی علمی، زمینه مناسبی برای معرفی و شناخت مکتب اهل بیت علیهم السلام فراهم کند. لذا از مرگ تفتازانی بسیار ناراحت شد چرا که امید داشت از طریق مناظره با وی، فرصت تبیین معارف تشیع را برای مردم عامه به دست آورده و زمینه هدایت و روشنگری آنها را فراهم کند.^۱ محقق با چنین رویکردی به نگارش آثاری در حوزه‌های مختلف روی آورد.

گذشت زمان، محقق کرکی را به این نتیجه رساند که برای گسترش مذهب تشیع اثناعشری خالص و جلوگیری از آمیختن اعتقادات شیعیان با اعتقادات دیگر مذاهب، تأکید بر اعتقاد به تبری در کنار تولی ضروری است. از این رو در ارتقاء فرهنگ تولی شیعه به فرهنگ تبری، کتاب **نفحات الالهوت فی لعن الجبت و الطاغوت** را در بیان شواهدی از کتاب و سنت در تأیید جواز و حتی سفارش به لعن مخالفین اهل بیت علیهم السلام نوشت.^۲

محقق کرکی پس از مدتی حضور در ایران، با مشاهده عدم عزم شاه‌اسماعیل برای تغییر رفتارهای غیر شرعی خود، مخالفت‌های قزلباشان با دستورات شرعی، سنگ‌اندازی بزرگانی از عالمان ایرانی بر سر راه خود^۳ و تحریک دیگر عالمان در مخالفت با نظرات ایشان،^۴ چنان کار را بر خود سخت دید که از ادامه برنامه‌های اصلاحی - فرهنگی مد نظر خود ناامید شده از ادامه همکاری با حکومت صفوی سرباز زد. دغدغه گسترش تشیع و تعهد محقق کرکی به فرهنگ‌سازی در برپایی حکومت شیعی، سبب شد تا زمانی که محقق کرکی پس از یک دوره حضور در ایران، به دلیل نامساعد بودن شرایط ادامه همکاری با حکومت صفوی، از ایران خارج گشت؛ جامعه شیعی ایران و الزامات روی کار آمدن یک حکومت شیعی را به فراموشی نسپارد و با دوراندیشی فوق‌العاده نسبت به واقعیات و ضروریات جهان تشیع، با ایجاد یک

۱. رنجبر و مشکوریان، «مواجهه محقق کرکی با استقرار حاکمیت صفوی در عصر شاه‌اسماعیل اول (۹۰۷ - ۹۳۰ ق)» *پژوهش‌های تاریخی*، دوره ۲، ش ۴، شماره پیاپی ۴، ص ۱۳۶ - ۱۰۷.

۲. کرکی، *نفحات الالهوت فی لعن الجبت و الطاغوت*، ص ۴۰.

۳. از جمله اختلاف محقق کرکی با نعمت الله حلی. (خواند میر، *حبیب السیر*، ص ۵۷۷)

۴. برخی از محققین یکی از عوامل فراگیر نشدن نماز جمعه در عصر محقق کرکی را به مخالفت عالمان درباری با ایشان نسبت می‌دهند. رنجبر و مشکوریان، «مواجهه محقق کرکی با استقرار حاکمیت صفوی در عصر شاه‌اسماعیل اول (۹۰۷ - ۹۳۰ ق)»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره ۲، ش ۴، شماره پیاپی ۴، بهمن ۱۳۸۹، ص ۱۰۷ - ۱۳۶.

جهش بزرگ علمی در فقه سیاسی شیعه، نظریه «نیابت عام ولی فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت» را مطرح کند.

طرح نظریه «ولایت مجتهد جامع‌الشرایط» از سوی محقق کرکی،^۱ هرچند پیش‌از آن در اندیشه برخی از بزرگان شیعه بیان گردیده بود؛^۲ پذیرش آن از سوی حاکمان صفوی - هرچند در ظاهر - موجب تثبیت نقش مجتهد جامع‌الشرایط در این دوره گردید. به‌گونه‌ای که شاه‌طهماسب به تبعیت از این دیدگاه، خود را نایب امام و کارگزار محقق کرکی خواند^۳ و همه نیروهای خود را ملزم به رعایت دستورات ایشان ساخت.^۴ چنین رویکردی از یک‌سو، موجب تداوم منزلت‌یابی جایگاه مرجعیت شیعه در سال‌های پس از وی گشت. در نتیجه، زمینه برای فعالیت بیشتر عالمان در گسترش معارف تشیع و ارتقاء سرمایه فرهنگی جامعه فراهم گردید.^۵ از سوی دیگر، حضور سیاسی عالمان در عرصه اجتماع، موجب خروج مذهب تشیع از حالت یک مذهب ساده و منحصر در احکام عبادی و فردی به مذهبی پویا و مؤثر در زندگی سیاسی - اجتماعی گردید^۶ که به طرح دیدگاه‌ها و نظریات علمی عالمان شیعی در مسائل جدید انجامید و موجبات ارتقاء سرمایه فرهنگی جامعه شیعی را فراهم کرد.

یکی دیگر از اقدامات محقق کرکی که ارتقاء فرهنگی جامعه شیعی را در پی داشت، ورود ایشان به مسئله «خراج» و «نماز جمعه» بود. در حالی که عالمان شیعه تا پیش‌از این، تنها در متون فقهی بخش صلاة به نماز جمعه اشاره می‌کردند، محقق کرکی نخستین رساله مستقل در موضوع «صلاة الجمعة» را نگاشت و برای تحقق عملی آن در سطح جامعه تلاش کرد؛ پس از این اقدام علمی و عملی ایشان، موج رساله‌نویسی در این باب آغاز گشت؛ به‌گونه‌ای که می‌توان رساله محقق کرکی را به‌عنوان سرآغاز ورود به این عرصه، عامل ارتقاء علمی جامعه شیعی در این بحث دانست.^۷

۱. محقق کرکی در رساله نماز جمعه خود می‌نویسد: اصحاب ما بر این امر متفق‌اند که فقیه عادل امین جامع‌الشرایط فتوا که از وی با تعبیر «مجتهد» در احکام شرعی یاد می‌شود نایب ائمه هدی در عصر غیبت است در تمام آنچه که نیابت‌بردار است تنها برخی اصحاب، مسئله قتل و حدود را استثنا می‌کنند. (نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۲۱، ص ۳۹۶)

۲. ر. ک: جهان بزرگی، «پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه»، *قیسات*، ۱۳۷۶، ش ۵ و ۶.

۳. خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۵، ص ۱۷۰.

۴. افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ص ۴۵۶.

۵. اصلانی و خیری، «اندیشه ولایت فقیه و حقوق اساسی در دوره صفوی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال چهارم زمستان ۱۳۹۴، ش ۱۵، ص ۲۸ - ۷.

۶. منتظرالقائم و جعفری، «دولتی به کام رندان، مروری بر اهمیت و نقش دولت صفویه در تاریخ تشیع»، *سوره اندیشه*، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، ش ۵۶ و ۵۷، ص ۵۳-۵۲.

۷. همان، ص ۲۹۰.

محقق کرکی با هدف انتقال معارف تشیع به عموم مردم، عالمانی را «به زبان معلمان از طلبه علم، عربی‌لسان یا فارسی و ترکی‌زبان فرستاده، مردم هر ناحیه را به لغت خودشان به دین و آیین شیعه راهنمایی نموده، حلال و حرام مذهب حق را به مردم آموخته می‌کرده‌اند تا آنکه رفته‌رفته آن معلمان، به سعی و جهد خود، مقدمه شیعیگی و ایمان و معرفت مسائل دین مؤمنان را در آن زمان در دل‌های شیعیان ایران»^۱ فراهم کنند.

دو. الگوسازی و الگوزدایی فرهنگی

تعامل با حکومت صفوی و پذیرش حمایت‌های مالی حکومت، از امور بحث‌برانگیز میان محقق کرکی و مخالفین ایشان - از جمله ابراهیم قطیفی - بود.^۲ محقق روش خود را الگوگیری از سیره اهل‌بیت علیهم السلام^۳ و علمای گذشته^۴ می‌خواند. این رویکرد ضمن پاسخ به هجمه مخالفین، در راستای الگوسازی از رفتارهای عملی اهل‌بیت علیهم السلام و علمای تشیع بود.

جایگاه علمی محقق کرکی در طرح دیدگاه‌های فقهی همچون مسئله نماز جمعه و رویکرد ایشان در ارتباط با حکومت صفوی و طرح نیابت شاه از مجتهد جامع‌الشرایط، ایشان را به الگویی برای عالمان پس از خود، همچون شیخ بهائی و علامه مجلسی تبدیل ساخت که در عصر خود با اقامه نماز جمعه برای احیای آن تلاش بسیاری کردند.

یکی دیگر از اقدامات محقق کرکی در جهت الگوسازی از اهل‌بیت علیهم السلام، نگارش *رسالة فی السجود علی التربة* در تأیید و ترویج سجده بر تربت سیدالشهدا بود^۵ که به‌عنوان یکی از نمادهای مذهب تشیع در تکریم و ترویج فرهنگ عاشورا و الگوسازی از سیدالشهدا و شهدای کربلا برای شیعیان به کار می‌رود. همچنین ایشان به‌منظور الگوزدایی از جریان انحرافی صوفیه، کتابی در رد تصوف و بدعت‌های آنان به نام *المطامن المجرمیه فی رد الصوفیه* نگاشت.^۶

سه. ایفای نقش فعال برای رشد معنوی جامعه

باتوجه‌به نقش رفتار رهبران دینی در سبک زندگی مردم و رشد معنوی جامعه، رفتار عملی محقق کرکی، خود

۱. افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ص ۱۶.

۲. رجیبی، «آراء فقیهان عصر صفوی درباره تعامل با حکومت‌ها»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، ش ۹، بهار و تابستان ۸۸، ص ۸۰ - ۵۳.

۳. محقق کرکی، *قاطعة اللجاج*، ص ۴۴.

۴. همچون سید مرتضی، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی. (همان، ص ۸۶ - ۸۵)

۵. خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۴، ص ۳۶۷.

۶. آقابزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۱۵، ص ۳۴۱.

سرآمد فضائل اخلاقی و رعایت تقوا بود؛ چنانچه در مقابل اتهامات ابراهیم قطیفی که «جهاد با او را از جهاد با شمشیر در راه خدا افضل»^۱ می‌دانست، محقق هرگز از حدود بحث علمی خارج نشد و سخنی علیه او بیان نکرد.^۲ محقق کرکی در گسترش خدامحوری و پیاده‌سازی تقوا در سطح جامعه تلاش بسیاری کرد به‌گونه‌ای که توبه شاه‌طهماسب و فرمان وی در نهی شراب‌خواری و جلوگیری از محرّمات^۳ را می‌توان پیامد حضور محقق کرکی و فرهنگ‌سازی ایشان از دستورات دین دانست. به دنبال آن، از فعالیت مراکز فساد و شرابخانه‌ها ممانعت شد.^۴ در نتیجه، منکرات در سطح جامعه کاهش یافت.^۵ چرا که روشن است اگر در جامعه عوامل فساد و انحراف از بین برود، شرایط برای ترک منکر و رعایت تقوا نیز از سوی مردم فراهم‌تر می‌گردد و این امر در رشد معنوی جامعه تأثیر بسزایی خواهد گذاشت.

یکی دیگر از اقدامات محقق کرکی که اثرات خود را در کوتاه‌مدت و بلندمدت در رشد معنوی جامعه ایران نشان داد، همکاری ایشان با شاه صفوی در قالب نایب امام زمان علیه السلام بود. محقق کرکی با حضور خود در ایران و قبول همکاری با صفویان، به نظریه ولایت فقیه، صورت خارجی و عینی بخشید. به‌گونه‌ای که پس از این، رویکرد مثبتی در میان عالمان شیعی برای همکاری با حکومت صفوی ایجاد شد.

اقدام محقق کرکی در اعزام طلاب علوم دینی به شهرها و روستاها به‌منظور آشنا ساختن مردم با معارف تشیع، می‌توانست موجب تقویت اعتقادات و علایق معنوی برآمده از مکتب تشیع در مردم گردد.^۶ همچنین محقق کرکی با تألیف آثار متعددی در زمینه فقه و کلام، ضمن برطرف کردن فقر فرهنگی جامعه شیعی، با اثرگذاری بر عقاید، حقوق و سبک زندگی شیعیان، زمینه‌های رشد معنوی جامعه را فراهم ساخت.

چهار. به دست گرفتن نبض کانون‌های فرهنگی جامعه

باوجود اهمیت نماز جمعه در دین اسلام، رابطه آن با حکومت و محرومیت شیعیان از قدرت، سبب گشت تا بین عالمان شیعی در عمل به آن در عصر غیبت، بحث‌های متفاوتی به‌وجود آید. محقق کرکی پس از حضور در ایران، تلاش کرد نماز جمعه را در ایران برپا نماید^۷ و با نگارش رساله *صلاة الجمعة* در جهت تثبیت جایگاه علمی این بحث برآمد.

۱. الامین، *اعیان الشیعة*، ج ۴۱، ص ۸۷.

۲. جعفری هرندی، «محقق کرکی، شخصیت و آراء فقهی او»، *مقالات و بررسی‌ها*، تابستان ۱۳۶۸، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۴۲ - ۲۲۲.

۳. طهماسب صفوی اول، *تذکره شاه طهماسب*، ص ۳۰ - ۲۹؛ روملو، *احسن التواریخ*، ص ۶۳۵.

۴. طهماسب صفوی اول، *تذکره شاه طهماسب*، ص ۳۰.

۵. قمی، *خلاصة التواریخ*، ج ۱، ص ۲۲۵.

۶. خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۴، ص ۳۶۱.

۷. روملو، *احسن التواریخ*، ج ۲، ص ۱۱۴۵.

مجالس قصه‌خوانی که با نام ابومسلم‌نامه‌خوانی شناخته می‌شد، به دلیل دمیدن روح مقاومت در مردم علیه حاکمان ظالم، با آرمان‌های توده مردم متناسب بود^۱ اما به واسطه جعلیات تاریخی که در عقاید ابومسلم و رابطه او با شیعیان ایجاد می‌کرد، محقق کرکی در کتاب *مطالعن المجرمیه* آنها را مورد انتقاد جدی قرار داد و با دعوت مردم به دوری و کناره‌گیری از آنان^۲، موجبات ضعف آنها را فراهم کرد.

نتیجه

در جستجوی شناخت شاخص‌های نقش عالمان در انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی و ارزیابی عملکرد محقق کرکی به دست آمد که از نظرگاه امیرالمؤمنین علیه السلام عالمان به‌عنوان وارثان انبیا و رهبران فکری - فرهنگی کشور، وظیفه دارند در جهت انتقال و ارتقاء سرمایه فرهنگی جامعه بر اساس چهار شاخص دانش‌افزایی، الگوسازی فرهنگی، رشد معنوی، تأسیس، تقویت و اصلاح کانون‌های فرهنگی اقدام کنند. محقق کرکی در عصر صفویان، با توجه به قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی جامعه، در جهت ارتقاء دانش دینی مردم، به برپایی کلاس‌های درس، تربیت شاگرد و تألیف آثار علمی متعدد پرداخت و با طرح برخی از مسائل فقهی مغفول‌مانده نزد شیعیان گذشته، آنها را به مباحث روز جامعه علمی شیعه تبدیل کرد. همچنین با انتساب اعمال خود به اهل‌بیت علیهم السلام و علمای گذشته، ایشان را به‌عنوان الگوهایی لازم‌الاطاعه به مردم معرفی کردند و از طریق مبارزه با صوفیان، به دنبال حذف جایگاه الگویی ایشان از باورهای مردم برآمدند؛ زهد و تقوای خود ایشان و تلاش در جهت پیاده‌سازی تقوا در جامعه از طریق مبارزه با مظاهر فساد از اقدامات ایشان در جهت رشد معنوی جامعه است. تلاش در جهت برپایی نماز جمعه و مبارزه با قصه‌خوانان دروغگو از جمله عملکردهای ایشان در به دست گرفتن نبض کانون‌های فرهنگی جامعه ایران است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آبادیان حسین و محمد بیطرفان، «تحلیل مبانی مشروعیت و نامشروعیت نهاد سلطنت از دیدگاه علمای عصر صفوی»، *پژوهش نامه تاریخ اسلام*، س ۳، ش ۱۰، ص ۳۴-۵، تابستان ۱۳۹۲.

۱. ر. ک: ناصری، زندیه و سلطانی، «تحلیل انتقادی گفتمان طریقت و شریعت درباره قصه ابومسلم‌نامه»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های تاریخی*، س ۵۶، دوره جدید، س ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۴۵)، ص ۵۲-۳۵.
۲. پورامینی، *صفویان نماد اقتدار ایران*، ص ۱۳۰.

۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغه**، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چ ۲، ۱۳۸۵ ق.
۳. اسکندربیک ترکمان منشی، **تاریخ عالم‌آرای عباسی**، ترجمه فرید مرادی، تهران، نگاه، ۱۳۹۰.
۴. اصلانی، فیروز و عیسی خیری، «اندیشه ولایت فقیه و حقوق اساسی در دوره صفوی»، **پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، ش ۱۵، ص ۲۸-۷، زمستان ۱۳۹۴.
۵. افندی، الاصفهانی، میرزا عبدالله، **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی العامة، ۱۴۰۱ ق.
۶. آقابزرگ تهرانی، **الذریعة الی تصانیف الشیعة**، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۷. الامین محسن، **اعیان الشیعه**، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات، ۱۹۸۶ م.
۸. پورامینی، محمدباقر، **صفویان، نماد اقتدار ایران**، تهران، نور السجاد، ۱۳۸۱.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **محرر الحکم و درر الحکم**، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران، امام عصر، ۱۳۹۵.
۱۰. جامعه بزرگ، مصطفی، «تقابل علمی شیخ ابراهیم قطیفی (م. ۹۵۰ ق) و محقق کرکی (م. ۹۴۰ ق)»، **فرهنگ پژوهش**، ش ۴۵ ویژه تاریخ اسلام، ص ۱۶۲-۱۴۱، بهار ۱۴۰۰.
۱۱. جعفری هرنندی، محمد، «محقق کرکی، شخصیت و آراء فقهی او»، **مقالات و بررسی‌ها**، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۴۲-۲۲۱، تابستان ۱۳۶۸.
۱۲. جعفریان، رسول، **پژوهشی درباره نقش دینی و اجتماعی قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران**، بی‌جا، رثوف، ۱۳۷۰.
۱۳. جعفریان، رسول، **صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۴. جهان بزرگی، احمد، «پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه»، **قبسات**، ش ۵ و ۶، ص ۱۰۶-۹۲، ۱۳۷۶.
۱۵. چلبی، مسعود، **جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**، تهران، نشر نی، چ ۲، ۱۳۸۲.
۱۶. چلونگر، محمدعلی، **سیاست مذهبی شاه طهماسب اول و گسترش تشیع در ایران**، صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، تبریز، دانشگاه تبریز و ستوده، ۱۳۸۳.
۱۷. الحسون، محمد، **حیة المحقق الکرکی و آثاره**، قم، الاحتجاج، ۱۴۲۳ ق.

۱۸. خواندمیر، غیاث‌الدین، *حبیب‌السیر*، تصحیح زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲.
۱۹. خوانساری، میرزا محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلما و السادات*، تهران، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الإسلام*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. رجبی، محمدحسین، «آراء فقیهان عصر صفوی درباره تعامل با حکومت‌ها»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، سال پنجم، ش ۹، ص ۸۰-۵۳، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۲۳. رنجبر، محمدعلی و محمدتقی مشکوریان، «مواجهه محقق کرکی با استقرار حاکمیت صفوی در عصر شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ق)»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره ۲، ش ۴- شماره پیاپی ۴، ص ۱۳۶-۱۰۷، بهمن ۱۳۸۹.
۲۴. روحانی، حسن، «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، *راهبرد*، س ۱۸، ش ۵۳، ص ۳۵-۷، ۱۳۸۸.
۲۵. روملو، حسن بیگ، *احسن التواریخ*، ترجمه دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر، بی‌تا.
۲۶. سامی، علی، *نقش ایران در فرهنگ اسلامی*، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۶۵.
۲۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الأمالی*، تهران، کتابچی، چ ۶، ۱۳۷۶ ش.
۲۸. طهماسب صفوی اول، *تذکره شاه طهماسب*، تصحیح کریم فیضی، تهران، مطبوعات دینی، ۱۳۹۱.
۲۹. غفاری قزوینی، قاضی احمد، *تاریخ جهان‌آراء*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳.
۳۰. فلاح ربیع، علی، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، س ۴، ش ۲، ص ۵۷-۳۳، ۱۳۹۱.
۳۱. فوران، جان، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، چ ۲، ۱۳۷۸.
۳۲. قمی، قاضی احمد، *خلاصه التواریخ*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۴. کیانی، معصومه، و محمود مهرمحمدی، علیرضا صادق‌زاده قمصری، محمود نوذری و خسرو باقری، «مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، س ۷، ش ۲، پیاپی ۱۴، ص ۱۱۸-۹۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

۳۵. کرکی، علی بن حسن بن عبدالعالی، *نفحات الاهیوت فی لعن الجب و الطاغوت*، محمدهادی الامینی، تهران، مکتبه نینوی العدیثه، بی تا.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۳۷. محقق خوانساری، جمال الدین، *شرح غرر الحکم*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۳۸. محقق کرکی، *رسالة قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۹. محقق کرکی، علی بن حسین بن عبدالعالی، *جامع المقاصد*، قم، آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
۴۰. منتظرالقائم، اصغر و علی اکبر جعفری، «دولتی به کام رندان، مروری بر اهمیت و نقش دولت صفویه در تاریخ تشیع»، *سوره اندیشه*، ش ۵۶ و ۵۷، ص ۵۳ - ۵۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۰.
۴۱. ناصری، مسلم، حسن زندیه و سید علی اصغر سلطانی، «تحلیل انتقادی گفتمان طریقت و شریعت درباره قصه ابومسلم نامه»، *فصلنامه علمی پژوهش های تاریخی*، س ۵۶، دوره جدید سال ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۴۵)، ص ۲۲ - ۳۵، بهار ۱۳۹۲.
۴۲. نجفی جواهری، محمدحسن، *جواهر الکلام*، ترجمه عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ش.
۴۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.